کیهان

اجتماعی
Ejtemaee @kayhan.ir

صفحه ۶
سه‌شنبه ۲ شهریور ۱۳۹۵
۲۰ ذیقعده ۱۴۳۷ - شماره ۲۱۴۲۳

تلاش برای تغییر هویت پایتخت معنوی ایران به بهانه جذب توریست

سفر «سیاحتی» زیارتی مشهد مقدس!

رضا الماسی

اشاره:
تا همین سال‌های اخیر اکثر قریب به اتفاق مردم کشورمان و همچنین مسلمانان دیگر کشورهای اسلامی، تنها با هدف «زیارت» رهسپار مشهد مقدس می‌شدند و امروز هم عمدتاً همین گونه است اما برخی مسئولان با اعمال سیاست‌های توریستی و گردشگری خاص در پایتخت معنوی ایران (خواسته یا ناخواسته) به دنبال تغییر رویکرد سفرهای زیارتی مردم به هدف‌های صرفاً سیاحتی هستند. در این نوشتار به بررسی بیشتر این ماجرا می‌پردازیم.

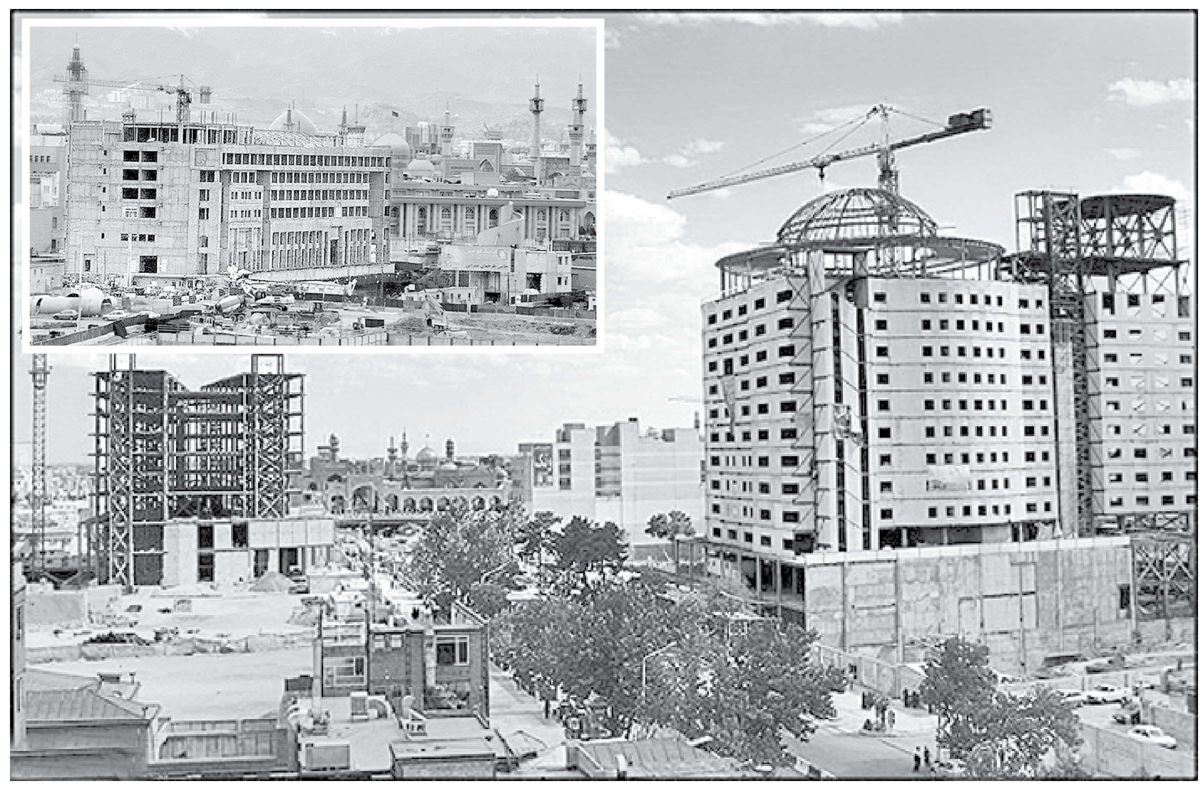

در روزهای پایانی فصل تابستان و در حالی که کمتر از یک ماه فرصت برای رفتن خانواده‌ها به سفر باقی مانده، فکر کردن برای انتخاب مقصد سفر، ناخودآگاه انسان را به خاطرات سفرهای گذشته می‌برد. هرکدام از ما ایرانی‌ها در دوران کودکی خود خاطرات تلخ و شیرین و نوستالژی‌های خاص خودمان را از سفرهای آن روزها داریم، از سفرهای تفریحی و سیاحتی گرفته تا سفرهای معنوی و زیارتی؛ برای ما اسم هر شهر و دیاری از پهنه متنوع و رنگارنگ کشورمان، به تناسب شناخت و تصویری که از آن در ذهنمان نقش بسته، یادآور خاطرات و نوستالژی‌های خاصی است.

مثلاً از همان وقتی که خاک طوس به قدوم مبارک امام رضا(ع) متبرک شده تا همین امروز، همه مردم، مشهد را به یک شهر «زیارتی» و به عنوان مرکز ثقل معنوی ایران می‌شناسند و تا اسم مشهدالرضا می‌آید همه به یاد زیارت ثامن‌الائمه افتاده و خود را در حرم آن حضرت مشاهده می‌کنند.

قدیمی ترها تصاویر نابی از خاطرات زیارت‌های مشهد در ذهن دارند، تصویر کاسه‌های برنجی طلایی رنگ سقاخانه اسماعیل طلا در صحن عتیق را که زیر شیر آب می‌گرفتند و بعد از گفتن بسم ا... چشم‌ها را بسته و به نیت تبرک و شفا، آب را سر می‌کشیدند. یا تصویر گنبد طلای امام رئوف که از هر نقطه شهر قابل مشاهده بود. تصویر بغض‌های اشک آلود زائرانی که بند دل خود را به شبکه‌های ضریح و پنجره فولاد حضرت گره زده و امام کریم را واسطه حل مشکلات و ازدیاد رزق مادی و معنوی خود قرار می‌دادند و...

جان کلام آنکه نام شهر مقدس مشهد با عشق بازی معنوی و سوز دل و دعا و مناجات و نوشیدن از چشمه‌های معارف ناب و حقیقی الهی گره خورده اما به لطف سیاست‌های توسعه‌ای، درآمدی و توریست محور برخی مسئولان، چهره مدرنی که امروز از این شهر زیارتی ساخته‌اند زائران را کم کم از این فضا دور می‌کند و موجب کاستن بهره‌مندی زائران و حتی مجاوران از حرم امام(ع) می‌شود.

مشهد شهری است که همان‌طور که از نامش مشخص و واضح است بر محور محل شهادت یا مشهد علی ابن موسی الرضا(ع) شکل گرفته است؛ اما طی سال‌های اخیر رشد مدرنیته و حضور نمادهای مختلف فرهنگ غربی از جمله مراکز تفریحی گسترده مانند بیشترین مراکز تفریحات آبی کشور، برج‌ها و ساختمان‌های مرتفع، بیشترین سالن‌های غذاخوری کشور و ده‌ها نماد فرهنگی دیگر همه و همه سبب شده است تا یکی از جاذبه‌های مهم حضور توریست در مشهد مسائل تفریحی محض و مسائلی غیراز حرم ثامن‌الائمه باشد.

در چند سال اخیر مشهد امام رضا(ع) پر شده از مراکز گردشگری و تفریحی، مراکز خرید و توریستی، مجتمع‌های بزرگ خوش گذرانی و...، تا جایی که حتی وقتی در خیابان‌های منتهی به حرم قدم میزنی، برج‌ها و هتل‌های مجلل سر به فلک کشیده بیش از هر چیز دیگری (حتی حرم!) جلب توجه می‌کنند. اصل اینکه هر شهری (حتی شهرهای زیارتی) به این‌گونه مراکز نیاز دارند محل بحث نیست چرا که همین مراکز در حد معمول و طبیعی خود در گذشته هم وجود داشته، ولی‌نوک پیکان انتقادات به سمت تفکری است که بیش از آنکه از احداث این‌گونه مراکز به دنبال خدمت رسانی به زائران و مجاوران امام رضا(ع) باشد، به دنبال توریستی کردن مشهد است و نگاه صرفاً درآمد محور و اقتصادی به این شهر زیارتی دارد!

اگر نگوییم این تفکر به دنبال انزوای موضوع زیارت به عنوان محور اصلی سفر زائران به مشهد است، در خوشبینانه‌ترین حالت رشد بی‌حد و حصر مراکز توریستی منجر به دور شدن زائران از فضای معنوی زیارت خواهد شد.

پیاده‌سازی جاذبه‌های گردشگری دوبی و آنتالیا در مشهد!

معاون فرهنگی اجتماعی شهرداری مشهد در این خصوص می‌گوید: تفکری پیش‌آمده که مرقد مطهر رضوی را خرج تبدیل مشهد به یک شهر توریستی-تجاری می‌کند به نحوی‌که مشهد بازار و بندر اجناس بنجل چینی و... خواهد شد، متأسفانه این نگاه طرفداران جدی دارد. طرفداران این مدل دارای برنامه و الگوی مشخص هستند، پیروان این مدل می‌خواهند مشهد به دوبی و آنتالیا تبدیل شود و تصمیم دارند این هدف را رؤیای مشهدی‌ها جلوه دهند، این مدل توسعه، بر محدود کردن زیارت تأکید دارد که برای مقابله با آن باید توسعه مشهد را بر مبنای توسعه مفهوم زیارت قرار دهیم.

وحید جلیلی ادامه می‌دهد: دو نگاه تحجر و تجدد، به محدود کردن مفهوم زیارت توجه دارند، نگاه متحجر زیارت را امری فردی، شخصی و عبادی می‌داند که منحصر به محدوده حرم است و نگاه متجدد نیز حرم را مثل همه بقاع متبرکه تمامی ادیان به رسمیت می‌شناسد ولی وقتی فرد از محدوده حرم بیرون بیاید، دیگر حرم محو می‌شود؛ این‌ها باعث می‌شود تا مفهوم زیارت به همه‌جا تزریق نشود.

جلیلی در تشریح فلسفه زیارت و نامگذاری این شهر زیارتی می‌گوید: «مشهد» یعنی محل شهادت، اصلاً مشهد یعنی جایی که بر محور مزار یک شهید به وجود آمده است، این نام‌گذاری در جریان معارض مکتب یک امر سیاسی است اما ما امر زیارت را چه طور تلقی می‌کنیم؟ آیا زیارت در مفهوم خویش دربردارنده یک مفهوم مسیحی است و یا معنای سیاسی و تاریخی دارد؟ زیارت در مفهوم شیعی خودش یک امر سیاسی است. در زیارت، تولی و تبری وجود دارد، معارف ما در حوزه تشیع و اسلام ناب کمک می‌کند که حتی الگوی شهر اسلامی پیشرفته را نیز بر مبنای آن قرار دهیم.

وی معتقد است، «قلعه‌هایی که در اطراف حرم رضوی با این نگاه ساخته‌شده، حرم را از مشهد جدا کرده و اجازه نمی‌دهد زیارت مفهوم گسترده‌تری پیدا کند، لزومی ندارد برای افزودن بر مدت حضور زائر در مشهد، برخی فضاها و تفریحاتی ایجاد شود که ضرورت زیادی ندارد، اگر تاریخ، تمدن و گردشگری فرهنگی را توسعه دهیم، هم جذب توریست خواهیم داشت و هم باعث شکل‌گیری تاریخی مشهد می‌شود. به‌جای بسیاری از امور که به اصطلاح برای افزایش ماندگاری زائر در سطح شهر مشهد صورت می‌پذیرد، می‌توان به‌طور مثال با ساخت بزرگ‌ترین موزه‌های تاریخ تمدن این کار را انجام داد در غیراین صورت، تضادی که در بین نگاه توسعه‌طلبانه با وضعیت سنتی شهر مشهد وجود دارد، باعث به وجود آمدن بحران‌های زیادی خواهد شد. معارف ما در حوزه تشیع و اسلام ناب می‌تواند به ما کمک کند که الگوی شهر اسلامی پیشرفته را با نگاه به مفهوم زیارت در مشهد مقدس پیاده کرده و در این راستا باید به سمتی حرکت کنیم که زائر با نگاه معنوی و ملکوتی به این شهر وارد شود.»

به گفته معاون فرهنگی اجتماعی شهرداری مشهد، «برخی در نظر دارند مشهد را با این عظمت و سابقه تاریخی، به شارجه و دبی مبدل سازند که با این نگاه در سال‌های آینده مشهد نه جایی برای زیارت امام رضا(ع) بلکه جایی برای تفریح خواهد بود. برخی از نهادهای انقلابی ما نیز متاسفانه تلاش می‌کنند در کنار حرم مطهر رضوی، هتل هفت ستاره، زمین گلف و یا مجموعه بولینگ بسازند که این از معضلات بزرگ امروز مشهد به شمار می‌رود.»

از سوی دیگر روند مدرنیزه کردن مشهد مقدس به جایی رسیده که این جریان فکری در تلاش است علاوه بر معماری شهر، سبک زندگی مردم را نیز تحت‌الشعاع تفکرات خود قرار داده و خواسته‌های خود را به نام مطالبات مردم جا بزند. به عنوان نمونه جنجال اخیر برگزاری کنسرت در مشهد و پافشاری قابل تامل برخی مسئولان دولتی طراز اول روی این موضوع از همین سنخ است، البته نهایتاً وزیر ارشاد به نظر کارشناسی علمای مشهد تن داد، هرچند حامیان رسانه‌ای تفکر مورد اشاره به وزیر ارشاد هم رحم نکرده و به بهانه عقب نشینی جنتی به وی نیز حمله ور شدند!

اعتراض مردم و علمای شهر

روند فوق به حدی سرعت گرفته که صدای اعتراض مردم متدین خراسان و در راس آنها علمای برجسته شهر را نیز درآورده است؛ در همین راستا مدتی است آیت‌الله سید احمد علم‌الهدی امام جمعه انقلابی مشهد و نماینده رهبر معظم انقلاب در استان خراسان رضوی، در مواضعی صریح مخالفت خود را با برگزاری کنسرت در حریم امام رضا علیه‌السلام و توسعه سرسام آور آسمان خراش‌ها اعلام می‌کند.

شاید تنها یا یکی از محدود نمادهای غربی که هنوز نتوانسته است در پایتخت معنوی ایران اسلامی جای پای محکمی پیدا کند همین مسئله کنسرت باشد. به واقع اهمیت این مسئله و لزوم عدم برگزاری آن در این شهر نوعی اهمیت راهبردی است.

امام جمعه مشهد در نمازجمعه دو هفته قبل مشهد اظهار داشت: مرحوم پدر من که از علمای این شهر بودند، می‌فرمودند در دوران اخیر رضاخان وصل به ۲۰ شهریور، یک متولی داشت اینجا به نام بدر، در دوران تولیت او فقط در مدت یک سال، چهار هزار تومان به قیمت آن زمان که اگر حساب کنیم، الآن بیش از ۴۰ میلیون تومان هست، گفتند مصرفی مشروبات الکلی برای مهمانان امام رضا بود، یک همچین آستانه‌ای بود. در زمان خود ما، دختر شاه ملعون، شهناز پهلوی آمد مشهد، در بیرون دروازه یک جایی بود که الآن خوشبختانه هتل بسیار زیبایی است چون داخل شهر افتاده، هتل توریست توس و آن زمان به حالت متل، قمارخانه بود، بعد آمد در هتل هما به وسیله آستان قدس رضوی از او پذیرایی شد و بعد به آن قمارخانه رفت، کارپرداز آستان قدس رضوی با او به آن قمارخانه حاضر شد، مبلغ هنگفتی را در قمار دختر شاه پرداخت و کارپرداز آستان قدس رضوی از بودجه این آستان، چک اش را کشید و داد، این وضعیت این حرم و این آستان قدس قبل از انقلاب بود.

وی ادامه داد: با پیروزی انقلاب مقدس اسلامی، با تدبیر داهیانه تولیت فقید، مرحوم آیت‌الله طبسی در طی ۳۰ سال، شاهد این توسعه با عظمت در این آستان قدس هستیم، هم توسعه‌ای در جهت وضعیت حرم مطهر و مدیریت بسیار دقیق و مهم در این حرم، هم ازنظر توسعه اقتصادی و تمام اینها، دستاورد این انقلاب مقدس اسلامی و مدیریت روحانیت در این عرصه است.

آیت الله‌علم‌الهدی گفت: اما حرم امام رضا(ع) تنها اینجا نیست، پیغمبر اکرم فرمودند «بین الجبلین، روضه من ریاض الجنه»، فرمایش پیغمبر ثابت می‌کند که دشت مشهد حرم امام رضاست و کل این شهر حرم امام است؛ اینجا شهر نبود، دوتا روستا بود، یک روستا در شمال این حرم، روستای نوغان و یک روستا هم در جنوب غربی این حرم، روستای سناباد؛ اینجا هم یک باغی بود، وسطش قبه هارونیه بود و مالک باغ هم حمید بن قهتبه، استاندار هارون در خراسان بود. امام رضا(ع) از مسیر کوه خلج که آمدند تشریف ببرند مرو، اینجا این باغ را خریداری کردند و این باغ که شاید همین‌جا که شما نشسته‌اید، واقعاً ملک امام رضا(ع) هست، شهر مشهد از اینجا شروع شد، مالک این شهر امام رضا هستند و شهر، شهر امام رضاست، هم به اعتبار فرمایش پیغمبر و هم به اعتبار این‌که شهر نقطه آغاز، شروع و ساختارش از این باغ شروع شده و قبل از این باغ هم شهری نبود، این باغ ملک امام رضاست پس شهر مال امام رضا است. لذا ماهیتی دارد، یک هویتی دارد که هویت و ماهیت این حرم باید حفظ شود؛ برادران و خواهران؛ اصطلاحات و عناوین بار فرهنگی دارند، آن بار فرهنگی که بر مشهد حاکم است و متناسب با ملک امام رضا و حرم حضرت رضا هست، آن مسئله زیارت است، اینجا شهر زیارت است، زیارت بار فرهنگی خودش را دارد، اینجا شهر گردشگری نیست. اصطلاح گردشگری بار فرهنگی خودش را دارد، اصطلاح زیارت بار فرهنگی خودش را؛ اینجا شهر گردشگری نیست که مرتب مرکز تفریحی و خوش گذرانی درست کنند. در این مملکت اگر مسئله توریستی و گردشگری لازم است، شمال با این عظمت، این شیراز، اصفهان و این شهرهای بزرگ، گردشگری را آنجا پیاده کنید، چرا هر نوع سلیقه و فکر گردشگری و توریست پروری را می‌خواهند در مشهد، شهر امام رضا(ع) پیاده کنند؟

وی از مسئولان مدیریتی شهر مشهد خواست به «زیارتی» بودن شهر توجه کرده و به جای تمرکز روی توسعه مراکز تفریحی و خوش گذرانی، روی مدیریت زیارت و شهر زیارتی برنامه‌ریزی کنند.

امام جمعه مشهد گفت: در همه دنیا هم ما نمونه‌اش را داریم؛ مگر در شهر واتیکان ایتالیا، دارای یک شرایط، حدود و دارای مقیاس‌های فرهنگی نیست؟ در همه دنیا، یک شهر مقدس به‌عنوان شهر زیارت، شرایط قداست خودش را دارد و همه افراد، همه جریان‌ها، هویت قداست آن شهر را حفظ می‌کنند، این شهر هم شهر زیارت است و قداست دارد، مشهدی هم که در این شهر زندگی می‌کند، چه جوان، چه پیر، چه دختر و چه پسر، بداند که در شهر زیارت و شهر امام رضا(ع) زندگی می‌کند. این شهر هویتش مال امام رضاست و هویتش هم زیارت است.

آیت الله‌علم الهدی ابراز امیدواری کرد که مسئولان مشهد در مسئولیت‌های این شهر و در مدیریت‌های این شهر بدانند قبل از این‌که بخواهند در این شهر استاندار باشند، فرماندار باشند، فرمانده نظامی و مدیرکل باشند، اگر حکم خادمی‌شان را امام رضا(ع) امضا نمی‌کردند، این شهر قسمتشان نمی‌شد، کسانی که در این شهر آمدند، اول حکم خادمی‌شان را امام رضا(ع) امضا کردند که خادم امام رضا(ع) باشند نه خادم جریان دیگر و نه خادم جریان‌های ضد هویت امام رضا(ع).

ساخت و سازها برای خدمت به زائران باشد

وی اظهار داشت: ساخت و سازها نباید به نحوی باشد که برخی افراد خاص فقط بیایند و خوش بگذرانند و خوب بخوابند، این برای ما رنج‌آور است در یک پیک زیارتی، حداکثر ۶۰ درصد هتل‌های پنج ستاره‌های شهر ما مورد استفاده قرار می‌گیرد درحالی‌که زوار ما در هوای سرد ایام نوروز در پارک‌ها چادر خانوادگی می‌زنند و با زن و بچه زیر باران استراحت می‌کنند و ما جایی برای اینها نداریم، هتل‌های پنج ستاره هم ۴۰ درصدش خالی است. لذا اینجا شهر امام رضاست، باید برای زوار امام رضا(ع) و مهمانان ایشان خانه بسازیم؛ یکی از حرکت‌های اخیر آستان قدس که فوق‌العاده قابل‌تقدیر است، ایجاد زائرسراها و از همه بالاتر، ایجاد شهر زائر در یک گنجایش ۳۰ هزارنفری زائر هست با همه تجهیزات که خوشبختانه کلنگش را زدند و با سرعت ان شاالله ساخت‌وساز می‌شود. این شهر، شهر مهماندار امام رضاست، شما مشهدی‌ها هم مهماندار امام رضا(ع) هستید، برادران، خواهران، کسبه مشهد، مگر کربلا در اربعین زائر امام حسین ندارد؟ این زائری که در مهم‌ترین پیک زیارتی بی‌نظیر در سال که اربعین است به کربلا می‌رود، کربلایی‌ها در این ایام فکر کاسبی نیستند، کربلایی‌ها فکر فروش جنس دکان نیستند، کربلایی‌ها فکر پذیرایی زائر اربعین امام حسین(ع) هستند. لذا عزیزان مشهدی، ولادت امام رضا و شهادت امام رضا پیک زیارتی امام رضاست و شما مهماندار امام رضا هستید، شما در فکر مهمانداری برای امام رضا باشید نه فکر بهره‌برداری بیشتر از این موقعیت پیک زیارتی و ما سعی کنیم این فرهنگ در بین ما جریان پیدا کند.امام جمعه مشهد با اشاره به اهمیت فرهنگ تصریح کرد: اگر ما فرهنگ با فضیلت دین را در جامعه خودمان تحکیم و تثبیت کردیم، دقیقاً توانسته ایم انقلاب را پیش ببریم و الا اگر رنگ دین در جامعه ما تضعیف شد، همه دشمنان خدا روی کره زمین به ما طمع خواهند ورزید.

علاوه بر استدلال‌های آیت‌الله علم‌الهدی مبنی بر اینکه باید بافت زیارتی و هویتی مشهد مقدس حفظ شود، روایات زیادی از ائمه معصومین(ع) نیز در باب آداب زیارت نقل شده که خوب است زائر تنها به قصد زیارت رهسپار مقصد زیارتی خود شود فلذا از آنجایی که نظام حکومتی ما مبتنی بر شریعت اسلام است، اساساً وظیفه حاکمیتی مسئولان شهر مشهد ایجاب می‌کند که این بستر را برای زائران فراهم و همه امکانات مادی و معنوی را در راستای بهره مندی حداکثری زائران از «زیارت» تامین کنند یا اینکه حداقل اگر خیری در این بحث نمی‌رسانند به حاشیه راندن اصل زیارت را موجب نشوند.

اگر نگاهی به شهرهای زیارتی دیگر داشته باشیم می‌بینیم چنین مسائلی عمدتاً مورد توجه واقع و رعایت می‌شود. به عنوان مثال کربلا توانسته است خود را از گزند مدرنیته محفوظ بدارد و شهر بر مبنای همان علت تشکیلش که وجود مضجع شریف امام حسین(ع) است ادامه حیات داده است. در نتیجه به جز زوار امام‌حسین(ع) کسی دلیلی برای سفر تفریحی به این شهر پیدا نمی‌کند.

محوری بودن «زیارت» برای مسئولان موضوعیت ندارد

در مجموع از اصرار برخی مسئولان محلی و کشوری برای توسعه توریست غیرزیارتی در مشهد اینگونه بر می‌آید که محوری بودن زیارت برای آنها موضوعیت اصلی ندارد و نهایتاً زیارت را در کنار سیاحت می‌بینند. این نوع نگاه هرچند با اهداف خیرخواهانه (که انشاء... همین طور است)، آگاهانه یا غیرآگاهانه از یک نگرش سطحی و پوسته‌ای و ابزاری به عنصر سازنده زیارت نشات می‌گیرد که نتیجه و خروجی آن رفته رفته به تغییر ماهیت مشهد مقدس خواهد انجامید.

اما عقبه فکری این جریان نیز بیکار ننشسته و با ظرفیت رسانه‌ای خارجی و دنباله‌های داخلی اش دائماً این موضوع را با هدف تبدیل کردن آن به مطالبه عمومی، به جامعه پمپاژ می‌کند و با افرادی که نسبت به روشنگری اهداف و اصل ماجرا برای مردم اقدام می‌کنند به بدترین شکل ممکن مقابله کرده و دست به تخریب شخصیت آنها می‌زنند. به عنوان نمونه می‌توان به هجمه‌های این جریان در فضای مجازی به منظور ترور شخصیت امام جمعه محترم مشهد در این موضوع و شخصیت‌های علمی و دینی دیگر در موضوعات مشابه اشاره کرد. البته شدت حمله و بی‌ادبی این جریان رسانه‌ای به شخصیت‌های برجسته نشان از عمق تاثیر آن شخصیت و نفوذ وی در متن جامعه و میان مردم دارد چرا که تجربه نشان داده این جریان وقتی اهداف خود را در معرض آسیب می‌بیند به این‌گونه رفتارها روی آورده و با هدف آسیب به شئون موجه علما و کارشناسان میان مردم، هتاکی می‌کنند.

به نظر می‌رسد خود مردم متدین و انقلابی مشهد مقدس که همواره میزبانان خوبی برای زوار امام رئوف بوده و در تاریخ انقلاب و دفاع مقدس و دیگر عرصه‌ها و جبهه‌های نبرد فرهنگی و اعتقادی نیز پیشگامی کرده‌اند، با روشنگری‌های علما و بزرگان مشهد اجازه تغییر هویت واقعی شهر امام رضا(ع) را نخواهند داد و با هرگونه اقدام خلاف این موضوع مقابله می‌کنند.

پیوند بحران‌های اجتماعی با زیرساخت‌های اقتصادی

مقصود از انقلاب بیرون کردن استعمارگران از کشور چه به لحاظ فیزیکی و چه به لحاظ سیستمی است.

واقعیت این است که ما در سال ۱۳۵۷ آمریکا را از ایران بیرون کردیم و کشور به استقلال سیاسی رسید.

اگر چه سیستم‌های اقتصادی و اداری اصلاح نشد اما تا پایان جنگ تحمیلی، وضعیتی بر کشور حاکم بود که مردم و اکثر مسئولان به یک سیستم اسلامی انقلابی تمایل داشتند و خودشان عمل می‌کردند. با پایان جنگ تحمیلی و روی کار آمدن دولت سازندگی، امید می‌رفت که انقلاب در سیستم‌های برجامانده از رژیم سابق که اکثراً آمریکایی بود صورت بگیرد. یکی از این سیستم‌ها، بانک مرکزی و نظام مالی کشور بود اما نه تنها این امر رخ نداد بلکه دولت وقت اصرار بر غلیظ کردن سیستم‌های آمریکایی در کشور داشت.

نتیجه تغلیظ سیستم‌های اقتصادی آمریکایی به ویژه در بخش مالی که سال‌هاست یک بخش مستقل از اقتصاد محسوب می‌شود افزایش افسار گسیخته تورم رسمی و تورم کالاهای اساسی (که معمولا ۲ برابر تورم رسمی است) شد تا آنجا که به ۴۹/۵ درصد (و ۸۹ درصد در کالاهای اساسی) رسید. در سیستم مالی آمریکایی پرداخت وام‌های مختلف به مردم، امری عادی است چرا که مردم ایالات متحده بدون دریافت این وام‌ها از پس مخارج تحمیلی غول‌های اقتصادی حاکم بر خود برنمی‌آیند.

نتیجه پرداخت وام، افزایش نقدینگی و تورم است اما از آنجا که حکومت آمریکا تورم خود را به دیگر کشورها منتقل می‌کند و با چاپ دلار بی‌پشتوانه ثروت دیگران را به یغما می‌برد، استفاده از این سیستم تنها برای یک استعمارگر مطلوب است نه کشوری که خیال استعمار و استثمار ملت خود و دیگران را هم ندارد چرا که مردم را بدهکار و تحت سلطه آمریکا قرار می‌دهد.

سیستمی که دور باطل نقدینگی - تورم را در دل خود دارد، فشار سنگینی به مردم عادی وارد می‌کند و تنها به نفع کلان سرمایه‌داران است که گاه فقط یک درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند.

این سیستم موجب ایجاد فاصله وحشتناک طبقاتی می‌شود و فسادهایی چون سه هزار میلیارد، فروش کارخانه‌های دولتی به ثمن بخس به مدیران دولتی، حقوق‌های نجومی، ماجراهای بابک زنجانی و شهرام جزایری و از این قبیل را ایجاد می‌کند.

سیستم مالی آمریکایی حتی کلان سرمایه‌داران را هم به جان یکدیگر می‌اندازد، اما آنها برای اینکه به ایالات متحده و منافع خودشان آسیبی نرسد، اختلافات خود را هم در قالب جنگ‌های مختلف به بیرون از آمریکا منتقل و ملت‌های مظلوم غرب آسیا، شمال آفریقا، افغانستان، ویتنام و... را قربانی مطامع خود می‌کنند و اگر نتوانند آن را به بیرون منتقل کنند از طریق پلیس نژادپرست خود به سیاهان و لاتین‌تباران کشور خود انتقال داده، آنها را به خاک و خون می‌کشند. رد پای سیستم مالی آمریکا در انقلاب‌های مخملین و فتنه‌های ۷۸ و ۸۸ ایران، به روشنی آشکار شده است.

امید آمریکا به ایجاد فشار اقتصادی و ترکیب آن با چالش‌های اجتماعی برای ایجاد یک فتنه از راه همین سیستم‌هاست. سیستم‌هایی که مردم را صبح تا شام وادار به بردگی برای کلان سرمایه‌داران می‌کند بدون اینکه خودشان بهره‌ای ببرند.

مروج و مقوم این سیستم در کشور ما، جریان معطوف یا مجذوب غرب است که خودش هم به بردگی برای آمریکا عادت دارد تا آنجا که حاضر است تمام اطلاعات و منابع کشور را در اختیار دشمن قرار دهد تا بتواند بر ملت خود سلطه داشته باشد و از گرده آنها بهره‌کشی کند. سیستم‌های مالی آمریکایی، اصل مالکیت که در لیبرالیسم بسیار مورد تاکید قرار می‌گیرد را کاملا از بین می‌برد چرا که همواره میزان بدهی افراد بیش از درآمد و دارایی‌های آنهاست و معمولا همه مردم به صاحبان بانک‌ها بدهکارند.

صاحبان بانک‌ها هم به یکدیگر یا دیگر موسسات بدهکارند. در نتیجه هیچ کسی در سیستم مالی لیبرالی، مالک دارایی خود نیست و عملا چیزی ندارد. اکنون سؤال اینجاست که این سیستم چه فرقی با سیستم مارکسیستی که دولت ظاهرا مالک همه چیز است دارد؟! در سیستم مارکسیستی یک مالکیت حقوقی مشاع برای همه مردم وجود دارد اما در سیستم لیبرالی همین هم موجود نیست. وقتی این دو سیستم ناکارآمد است باید به سیستم‌های بومی روی بیاوریم.

در سیستم اسلامی با توجه به اینکه کار نیک تا ۱۰ برابر یا حتی بی‌حساب از جانب خداوند پاداش داده می‌شود و اشتباه (سهوی یا عمدی از سر اضطرار) یک برابر محاسبه می‌شود، بدهی معنا ندارد جز به ذات باریتعالی. اما در حال حاضر بانک‌ها با بدهکاران غیرکلان در ایران، همچون کفار حربی رفتار می‌کنند چرا که از سیستمی تاسی می‌کنند که با نپرداختن یک قسط خانه، اثاثیه یک خانواده را به خیابان می‌ریزد. نتیجه حاکم شدن چنین سیستمی، رخت بر بستن اخلاقیاتی چون گذشت، صبر و... است. این سیستم منابع دولتی و مردمی را یکجا می‌بلعد و به سرمایه‌داران می‌دهد تا آنها هم تقدیم آمریکا کنند. نتیجه اینکه کشور برای حفظ منابع ارزی خود، مجبور است قیمت دلار را تا ۳۵ هزار برابر پول رایج خود افزایش دهد.

بانک‌ها از بدهکاران کلان هم به عنوان عوامل فتنه‌های اقتصادی و حتی سیاسی استفاده می‌کنند مانند آنچه در نیمه دوم دهه ۸۰ در مقابل دولت‌های نهم و دهم انجام دادند.

رها شدن از عادات آسان نیست. سیستمی که حدود ۷۰ سال در کشور ما سابقه دارد به حداقل هفت سال زمان نیاز دارد تا از بین برود. راه خلاص شدن از این سیستم ایجاد یک نظام مالی و بانکی اسلامی به موازات سیستم آمریکایی بوده و هست. در ۳۷ سال گذشته، خیلی بیش از هفت سال کار مالی و پولی سالم در کشور ما انجام و تجربه شده اما اجازه همه‌گیر شدن آن داده نمی‌شود.

این بار هم مردم باید خودشان وارد عرصه شوند و به جای بانک‌ها، سیستم‌های مالی و پولی سالم را برای انجام امور این چنینی خود انتخاب کنند و از مسئولان بخواهند که بساط سیستم مالی و بانکی آمریکا را برچینند تا تلاطمات اقتصادی جهانی بر کشور ما تاثیر نگذارد.

سایه نظام آموزش پولی بر مدارس و دانشگاه‌های کشور

قبولی در دانشگاه دیگر یک رؤیا نیست اگر پول داشته باشید

نظام آموزش پولی بر مدارس و دانشگاه‌های کشور سایه انداخته است، در این شرایط هرچقدر که پول خرج کنید همان اندازه مدرک خواهید گرفت. قدیم‌ترها عبور از سد کنکور و ورود به دانشگاه به آسانی این روزها ممکن نبود، داوطلب باید کفشی آهنین به پا کرده و برای شکست شاخ غول کنکور به میدان می‌رفت،گاه از پای درآوردن این غول نیز سال‌ها به طول می‌انجامید و به همین دلیل بود که برخی مدت‌ها عنوان پُشت کنکوری را یدک می‌کشیدند.

این روزها اما ورق برگشته و ماجرا به گونه‌ای دیگر پیش می‌رود، قبولی در کنکور دیگر افسانه نیست، تعداد صندلی‌های دانشگاه‌ها بیشتر از آمار داوطلبان است و حتی بسیاری از صندلی‌ها خالی می‌ماند اما داوطلب حاضر نیست برای تحصیل به سمت آن رشته‌ها برود.قدیم‌ترها بسیاری از داوطلبان برای انتخاب رشته‌های دانشگاهی مجاز هم نمی‌شدند اما حالا تمام داوطلبان حاضر در جلسه کنکور مجاز به انتخاب رشته می‌شوند حتی آنهایی که در جلسه آزمون غایب بودند نیز قادر به انتخاب رشته هستند.

به گزارش تسنیم، مسئولان سازمان سنجش معتقدند رقابت در کنکور دیگر معنا ندارد، صندلی‌های دانشگاه‌ها خالی می‌مانند و متقاضی برای آنها وجود ندارد. به عنوان مثال در کنکور ۹۴ حدود ۳۰۰ هزار صندلی خالی مانده است. علاوه بر آن بیش از نیمی از ظرفیت دانشگاه علمی ـ کاربردی و دانشگاه پیام نور، ۴۰۰ هزار ظرفیت در دانشگاه آزاد و حدود ۶۰ درصد صندلی‌های دانشگاه‌های غیرانتفاعی بدون دانشجو مانده است.

رقابت اما برسر دانشگاه‌ها و رشته‌های برتر همچنان ادامه دارد، رشته‌های مهندسی برق، مهندسی مکانیک، مهندسی عمران، مهندسی صنایع، معماری و کامپیوتر، رشته‌های پزشکی، داروسازی، دامپزشکی و دندانپزشکی، روان‌شناسی، حسابداری و حقوق جزو رشته‌های پرطرفدار برای داوطلبان به حساب می‌آید.

طبق اعلام ابراهیم خدایی رئیس سازمان سنجش، هم‌اکنون ۱۵ درصد کل دانشجویان در دانشگاه‌های دولتی تحصیل کرده و شهریه‌ای پرداخت نمی‌کنند اما از آنجایی که دانشگاه‌ها برای اداره خود با مشکلات متعددی مواجه هستند طرحی برای گسترش پذیرش دانشجو در رشته‌های روزانه وجود ندارد.

طبق روالی که اعلام شد، ورود به دانشگاه دیگر یک رؤیا نیست اگر شما پول داشته باشید چرا که صدها رشته در انواع دانشگاه‌ها از غیرانتفاعی، شبانه، پیام نور و علمی کاربردی و پردیس‌های خودگردان برای پر کردن صندلی‌های خالی خود داوطلب فرامی‌خوانند. بسیاری از این دانشگاه‌ها برای پذیرش دانشجو به معدل دیپلم بسنده کرده و براساس سوابق تحصیلی آن هم بدون برگزاری کنکور دانشجو جذب می‌کنند.بنابراین اگر شما پول داشته باشید بالاخره رشته و دانشگاهی را برای دانشجو شدن پیدا می‌کنید.

اما مشکل اصلی آنجاست که داوطلب پولی در بساط ندارد در چنین شرایطی او محکوم به شرکت در رقابت نفسگیر میان رشته‌های پرطرفدار برای راهیابی به ظرفیت محدود موجود در دوره‌های روزانه دانشگاه‌هاست.

اما آیا چنین رویه‌ای در پذیرش دانشجو با عدالت آموزشی همخوانی دارد؟ داوطلبان مناطق محروم یا داوطلبان ساکن مناطق جنوبی شهرها تا چه اندازه از امکانات آموزشی و کلاس‌های متعدد کنکور بهره می‌برند و آیا آنها توانایی شرکت در رقابت نفسگیر برای ورود به دوره‌های روزانه دانشگاه‌ها را دارند و دست آخر چند درصد از آنها توانایی پرداخت هزینه‌های سنگین برای ورود به رشته‌های پولی را دارند؟

روند معیوب عدالت آموزشی و غلبه نظام آموزش پولی نه تنها در بخش آموزش عالی بلکه در نظام آموزش‌وپرورش کشور نیز سایه انداخته است، چگونه است که یک دانش‌آموز در شهر تا ۲۰ میلیون تومان هم در سال برای تحصیل در مدرسه‌ای غیرانتفاعی هزینه می‌کند اما در مناطق محروم دانش‌آموز مدرسه‌ای در نزدیکی محل زندگی ندارد و باید در مدارس شبانه‌روزی مستقر شود، مدارسی که خود با مشکلات متعدد از جمله نبود بودجه مواجه هستند و کم نیستند دانش‌آموزانی که به دلیل فقر خانواده قید تحصیل را می‌زنند.طبق اصل ۳۰ قانون اساسی تحصیل در مدارس باید رایگان باشد اما سال‌هاست که کمتر مدرسه دولتی را می‌توان یافت که برای تأمین مخارج خود از خانواده‌ها کمک‌های مردمی اجباری طلب نکرده باشد، خانواده‌هایی که گاه چند فرزند دانش‌آموز داشته و تأمین هزینه‌های تحصیل آنها برای سرپرست خانواده چندان هم آسان نیست.با حاکمیت چنین شرایطی در کشور آیا بازهم می‌توان از عدالت آموزشی یا اصل ۳۰ قانون اساسی حرفی زد؟

عکس نوشت

مضجع علی بن موسی الرضا(ع) مطاف ملائکه آسمان ها و محل حضور توجهات الهی است.آنجا مرکز ذکر و مرکز توحید است و دل سپردگان به این خاندان مطهر، در آنجا با دل مشتاق خود با خدای متعال حرف می زنند.

رهبر معظم انقلاب -۹۳/۶/۱۶

(۲۳ ذی‌القعده روز زیارت مخصوصه امام هشتم)

نامه وارده

مترو آزادگان را به اسلامشهر برسانید

رفت و آمد اسلام‌شهری‌ها به تهران با اعمال شاقه

ساکنان شهرستان اسلامشهر که در کنار نداشتن جاده مناسب در مسیر اسلامشهر- تهران، از نبود سیستم حمل و نقل عمومی مناسب برای تردد به تهران گلایه دارند، معتقدند بهترین روش حمل و نقلی آنها مترو است و خواستار آن هستند هر چه زودتر ایستگاه آزادگان در مترو خط ۳ به اسلامشهر متصل شود.

دسترسی مردم اسلامشهر به سیستم‌های مختلف حمل و نقل عمومی برای انتقال به تهران و بالعکس بسیار ضعیف است، ناوگان تاکسیرانی و اتوبوسرانی اسلامشهر به تهران با این جمعیت فراوان اسلامشهر و مناطق اطراف، کفاف تقاضای مسافران را نمی‌دهد ضمن آنکه نبود ناوگان اتوبوسرانی BRT بین تهران و اسلامشهر مشکلاتی را برای مردم ایجاد کرده است.

شهرستان اسلامشهر به تنهایی ۵۰۰ هزار نفر جمعیت دارد، همچنین مردم نسیم‌شهر از امکانات حمل و نقلی اسلامشهر استفاده می‌کنند، از سوی دیگر شهرستان رباط‌کریم هم در جوار اسلامشهر است، اغلب ساکنان مناطق مذکور در تهران شاغل هستند و همین امر موجب افزایش تقاضای حمل و نقل در این منطقه بزرگ از استان تهران، به تهران شده است.

شهرستان اسلامشهر حتی جاده مستقل به تهران ندارد و همه از جاده احمدآباد مستوفی استفاده می‌کنند در حالی که در این جاده ناوگان سنگین زیادی تردد می‌کنند و از نظر سوانح رانندگی مشکل‌آفرین است، برخی ساکنان این مناطق در حال حاضر به جاده ساوه پناه آورده‌اند.

مردم اسلامشهر و مناطق مذکور یا مجبور هستند از خودرو شخصی برای تردد به سمت تهران استفاده کنند و آنهایی که بضاعتی ندارند، به اجبار از ناوگان عمومی استفاده می‌کنند که ازدحام فراوانی دارد و در اغلب مواقع با تأخیر در محل کار خود در تهران حاضر می‌شوند.

در سیستم حمل و نقل ریلی هنوز قطار حومه‌ای راه‌اندازی نشده است و اگر هم راه‌اندازی شود در ایستگاه آپرین خواهد بود که فقط برای بخشی از مسافران مناسب است و دسترسی بقیه مسافران به ایستگاه مشکل است، ضمن آنکه اگر هم باشد تازه وارد میدان راه‌آهن تهران می‌شویم و از آن پس باید به سمت مبدأ از ناوگان دیگری استفاده کنیم زیرا راه‌آهن که در دیگر نقاط تهران ایستگاهی ندارد؛ از این رو معتقدیم بهترین روش حمل و نقلی از اسلامشهر برای تردد به تهران در حال حاضر تکمیل خط سه مترو تهران و اتصال ایستگاه آزادگان به اسلامشهر است، در این صورت مردم نسیم‌شهر هم به راحتی می‌توانند به این سیستم حمل و نقل عمومی دسترسی یابند و جابه‌جایی‌ها تسهیل می‌شود.

شهرداری و شورای شهر، امام جمعه و نماینده شهرستان اسلامشهر در مجلس و همچنین شهرداری چهار دانگه مکرر پیگیر موضوع راه‌اندازی مترو تهران به اسلامشهر هستند تا ایستگاه آزادگان به اسلامشهر متصل شود، اما هنوز این هدف محقق نشده است ولی ساکنان اسلامشهر بی‌صبرانه منتظر اجرای مترو هستند و از شهرداری تهران می‌خواهند این هدف زودتر محقق شود.

در صورت اتصال مترو از ایستگاه آزادگان در خط سه به اسلامشهر، تعداد ۶ ایستگاه در این مسیر در نظر گرفته خواهد شد که موجب تسهیل دسترسی مسافران در مناطق مختلف جنوب تهران می‌شود.

به هر حال لازم است به منظور کاهش ترافیک شهری از طریق وسایل نقلیه، کاهش تولید آلاینده زیست‌محیطی، کاهش تصادفات رانندگی و هزینه‌های جانبی آن برای کشور، سرعت در انتقال مسافران و با توجه به تردد بین شهری شهروندان اسلامشهر به تهران، اتصال متروی تهران به اسلامشهر به زودی اجرایی شود.

با توجه به انجام روزانه بیش از ۲۵۰ هزار تردد بین اسلامشهر و تهران و بالعکس و پیش‌بینی افزایش آن در برنامه‌های توسعه‌ای شهرستان، پیش‌بینی می شود با اجرای پروژه عبور خط ۳ متروی تهران از داخل اسلامشهر بیش از ۸۰ درصد سفرهای شهروندان از طریق قطار درون شهری به انجام برسد.

جمعی از اهالی اسلامشهر